

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و ششم - زمستان ۱۳۹۸

ص ص: ۶۳-۷۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۸

بررسی رویکرد نظری قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن

فاطمه موسوی ویایه^{۱*}

سولماز صدقی الپهرد^۲

چکیده

شناخت دقیق رویکرد نظری سیاستگذاران اجتماعی در حوزه خانواده، مقدمه بحث در زمینه سبک زندگی اسلامی - ایرانی و الگوی مطلوب زن مسلمان است زیرا سیاستگذاری درباره خانواده با پیش فرض های ذهنی درباره نقش زن در خانواده تنیده شده است. این مقاله درصدد است تا رویکرد نظری سیاستگذاران در حوزه خانواده را با تحلیل محتوای قانون آشکار کند، از این رو مدل های ارتباط خانواده و جامعه در چارچوب کارکردهای خانواده و الگوهای مطلوب خانواده را در دو صورت تصریحی و تلویحی آن بررسی می کند. بررسی قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن نشان می دهد که از نظر سیاستگذاران، کارکرد تربیتی (جامعه پذیری فرزندان) بیش از سایر کارکردها (تثبیت شخصیت، کارکرد اقتصادی و فرزندآوری) اهمیت دارد و خانواده مطلوب، خانواده پایدار و کارآمدی است که اعضای خانواده در نقش های جنسیتی خود ایفای نقش می کنند. قانونگذار در حدود نیمی از موارد، آموزش و فرهنگسازی را به عنوان راهبرد اجرای سیاستهای تدوین شده انتخاب کرده است. قانون تحکیم خانواده مصداق کامل رویکرد خانواده گرایی در حوزه سیاستگذاری اجتماعی است که به قانون برنامه پنجم توسعه نیز تسری یافت.

واژگان کلیدی: خانواده، سیاستگذاری اجتماعی، سنت گرایی، خانواده گرایی، قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن

^۱ دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی ft.moosavi@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی solmaz.sedghi@gmail.com

مقدمه

خانواده از جمله موضوعات کلاسیک در مطالعات اجتماعی است. در علوم اجتماعی برای توصیف و تحلیل خانواده، دیدگاه‌های نظری گوناگون از جمله کارکردگرایی ساختاری، تضادگرا همچون مارکسیسم و فمینیسم، و کنش متقابل نمادین به کار گرفته شده است. جامعه‌شناسانی که طبق سنت کارکردگرایی کار می‌کنند خانواده هسته‌ای را دارای نقش‌های تخصصی معینی در جوامع مدرن می‌دانند. با پیدایش صنعتی شدن، خانواده اهمیت خود را در مقام واحد تولید اقتصادی از دست داد و بیش‌تر روی تولید مثل، پرورش و اجتماعی شدن کودکان متمرکز شد. پارسونز خانواده هسته‌ای را مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخگویی به نیازهای جامعه صنعتی می‌داند. در «خانواده عرفی» یکی از بزرگسالان می‌توانست بیرون خانه کار کند و دومی مراقب خانه و کودکان باشد. در عمل، این تخصصی شدن نقش‌ها در خانواده هسته‌ای مستلزم این بود که شوهر به عنوان نان‌آور خانواده نقش «ابزاری» برعهده بگیرد و زن در داخل خانه نقش «احساسی» و عاطفی را ایفاء کند. نظریه کارکردگرایی خانواده از جنبه‌های متفاوت مورد انتقاد قرار گرفته است از جمله این که این نظریه تنوع و گوناگونی شکل‌های ناسازگار با مدل خانواده هسته‌ای را نادیده می‌گیرد و همچنین با تأکید بر اهمیت خانواده در اجرای برخی از کارکردها، از نقش سایر نهادهای اجتماعی مثل حکومت، رسانه‌ها و مدارس در اجتماعی شدن کودکان غفلت می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۵). نظریه کارکردگرایی خانواده و تفاوت طبیعی نابرابری جنسیتی، چارچوب نظری مناسب رویکرد خانواده‌گرایی را در کشورمان فراهم کرده است. محور اصلی رویکرد خانواده‌گرا، تناسب نقش‌های جنسیتی و خانواده محوری است که تأکید می‌شود از متن قرآن و سنت و آموزه‌های دینی استخراج شده است. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳: ۳۹۶) در این دیدگاه، الگوهای توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی غربی، رسانه‌های جهانی و دخالت‌های نظام سلطه، زمینه‌های توسعه فردگرایی و سستی کارکردهای خانواده را فراهم می‌آورند و سیاستگذاران و قانونگذاران باید بر تحکیم نهاد خانواده و توجه به عوامل اصلی یعنی الگوهای غربی توسعه رفاه، تمرکز کنند. این دیدگاه، تقویت نقش حاکمیت در امر تحکیم خانواده را پیشنهاد می‌کند. (برای مثال نک باقری، ۱۳۸۳) (مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۳: ۱۰)

بخشی از پژوهشگران حوزه خانواده، تغییرات خانواده را در چارچوب روند جهانی تغییرات بعد از صنعتی شدن می‌بینند. بر این اساس، خانواده در سراسر جهان از تحولات فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی نوسازی و جهانی شدن مانند شهرنشینی، گسترش فناوری، تحرک جغرافیایی افزایش دسترسی به ابزارهای جدید اثر پذیرفته و با تغییر در مناسبات و کارکردها، در پی سازگاری خویش با شرایط جدید است و باید این تغییرات را پذیرفت. (نک آزاد ارمکی، زند و خزایی، ۱۳۷۹) این پژوهشگران با دخالت دولت در حوزه سیاستگذاری خانواده مخالفند و عقیده دارند تلاش برای نادیده گرفتن منطق اجتماعی و فرهنگی خانواده و جایگزینی منطق‌های دیوانی و اداری به جای آن، به دلیل ایجاد واکنش

های پیش بینی نشده و ناآگاهانه و گاه ناپیدا، به فروپاشی بیشتر نهاد خانواده می انجامد. از این رو به جای رویکرد سیاستی دولت‌محور می توان رویکرد سیاستی جامعه محور را پیشنهاد داد. در این رویکرد، به مقولاتی چون راهبردهای اجتماع‌محور، ایجاد توازن بین نقش‌های اجتماعات محلی، جامعه مدنی و دولت، کاربرد سازوکارهای فرهنگی، افزایش توانمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوانان، تقویت سرمایه اجتماعی خانواده‌ها، اتکاء بر مسوولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها، تقویت نقش و کارکرد نهادهای سنتی در فرآیندهای همسریابی، همسرگزینی و ازدواج، افزایش جاذبه‌های فرهنگی ازدواج، حفظ تنوع فرهنگی و قومی ازدواج، عدم تراحم مدیریت دولتی با بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی توجه می کند. (نک قانع‌ی راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹).

سنت‌گرایان مسلمان به مکتب فکری «تفاوت‌های طبیعی» بسیار نزدیک هستند و مناسبات جنسیتی سنتی را عادلانه می دانند و هرگونه تلاش برای تغییر آن را موجب سست شدن نهاد خانواده می بینند. آنها تلاش دارند جوهره ارزش‌های سنتی را با قالبی جدید در صحنه گفت‌وگوهای معطوف به جنسیت در ظرف مکانی و زمانی حاضر، مطرح کنند. سنت‌گرایان مسلمان به الگوی تفکیک جنسیتی نقش‌ها در قالبی که از سوی مفسران و متکلمان نقل شده است اعتقاد دارند. اینها عمدتاً به سه عرصه خانواده، آموزش و اقتصاد و ترسیم جایگاه زن در آنها برای پاسخ‌گویی به شبهاتی که از سوی روشنفکران دینی و دیگران مطرح شده است می‌پردازند. این گرایش عمدتاً دارای اعتقادات زیر در سه عرصه مذکور است.

الف - هرم قدرت در خانواده

سنت‌گرایان بر ازدواج تاکید بسیار دارند و مجرد را عامل اعتیاد، روابط نامشروع جنسی، بزهکاری‌های اخلاقی، مشکلات روانی و حتی رفتارهای غیرمتعادل سیاسی و اجتماعی می دانند. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳، ۲۷) آنها ازدواج در سن پایین و ازدواج خویشاوندی را تایید می‌کنند و کم رنگ شدن نقش والدین در ازدواج‌ها را عامل افزایش طلاق می‌بینند. (همان، ۴۹) از نظر سنت‌گرایان اسلام به دلیل اهمیت فراوانی که برای تحکیم نظام خانواده قایل است از نظر حقوقی بر موضوع برتری شوهر و اطاعت زن از وی تأکید می‌ورزد. در الگوی خانواده مطلوب اسلامی، مردان از توسل به شیوه‌های آمرانه و جابرانه خودداری می‌کنند و با همسر یا همسرانشان، حسن معاشرت دارند. سفارش اسلام به تقویت روابط خویشاوندی باعث می‌شود که محدودیت‌های زندگی در جوامع شهری و صنعتی کمرنگ شود.

ب - جامعه‌پذیری جنسیتی

در این حوزه به سه راهبرد مهم از سوی سنت‌گرایان اشاره می‌شود. راهبرد نخست، تبیین مبانی علمی تمایز جنسیتی نقش‌هاست چه از نظر عوامل و چه از نظر پیامدها. این امر باید معطوف به رشد آگاهی‌ها و دانش‌افزایی، هم در سطح تخصصی و هم در سطوح عمومی باشد و یکی از مهمترین مبانی آن، واقعیت تفاوت‌های جنسی طبیعی است. سنت‌گرایان می‌گویند که انکار جبرگرایی در مسأله

تفاوت‌های جنسی، از اهمیت این تفاوت‌ها نمی‌کاهد و با توجه به این که در پرتو پژوهش‌های آکادمیک زیست‌شناختی و روان‌شناختی، وجود تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس تأیید شده‌است؛ لازم است برای افزایش آگاهی‌ها در این زمینه، اطلاع‌رسانی مناسب در قالب نشر مقاله‌های ترویجی، تهیه برنامه‌های تلویزیونی مستند و ... صورت گیرد. بخصوص که جریان‌های مهم فمینیستی و نویسندگانی که در حوزه جنسیت و دفاع از حقوق زنان قلم می‌زنند، به نادیده گرفتن و یا بی‌اهمیت جلوه دادن تفاوت‌های جنسی طبیعی گرایش دارند. (بخارایی و موسوی، ۱۳۹۴)

راهبرد دوم، کوشش برای عملیاتی کردن الگوی مطلوب نقش‌های جنسیتی است. از نظر سنت‌گرایان اصول و شیوه‌های تربیتی دختران و پسران نه کاملاً یکسان و نه کاملاً مغایر خواهند بود. کلیت درخواست فمینیست‌ها مبنی بر یکسان‌سازی تمام اسباب بازی‌های دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها بر اساس مبانی دینی قابل نقد است و در مواردی مانند بازی با عروسک برای دخترها و بازی با تانک و کامیون برای پسرها می‌توان تمایز را پذیرفت یا دست کم از نظر اولویت‌ها و ترجیح‌ها انواع بازی‌ها را بنابر جنسیت تفکیک کرد. (همان)

راهبرد دیگر، سازمان‌دهی نظام آموزشی به شیوه‌ای هماهنگ با الگوی دینی نقش‌های جنسیتی است. برنامه‌های آموزشی فعلی تحت آموزه‌های فرهنگ غربی، نسبت به جنسیت خنثی است و دختران را برای درک هویت زنانه، ورود آگاهانه و مسؤولانه به خانواده و اجتماع آموزش نمی‌دهد، مبانی فلسفی و ارزشی اسلامی ایجاب می‌کند نقش‌های جنسیتی مطلوب اسلام در آموزش لحاظ شود (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳، ۸۹). گسترش و تقویت مراکز مشاوره و گنجاندن دوره‌های آموزشی در مقاطع دبیرستانی، دانشگاهی و ... می‌تواند در آماده‌سازی زوج‌های جوان برای انطباق با نقش‌های مورد انتظار بسیار موثر باشد. از دیگر اقدامات اثرگذار، ارائه الگوهای موفق در این زمینه است. یک جنبه از این کار، تصویر کردن الگوی روابط جنسیتی در خانواده‌های آرمانی دینی، به ویژه خانواده‌ی علی و فاطمه و فرزندان آنان است.

چ - اقتصاد

به اعتقاد سنت‌گرایان افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان، زمینه‌های تخاصم در خانواده را فراهم می‌کند (زیبایی نژاد، ۱۳۹۳، ۲۸). کلاً اشتغال زنان مطلوب نیست چون به بیکاری مردان می‌انجامد و زنان مجرد شاغل نیز میل کمتری به ازدواج دارند. (همان، ۹۳) در حوزه اقتصاد نیز راهکارهایی باید مطرح نظر قرار گیرند که از یک سو حفظ و تقویت جایگاه خانواده در آنها لحاظ شود و از سوی دیگر، زمینه استقلال و ارتقای منزلت اجتماعی زنان از طریق آنها فراهم آید. در این زمینه به موازات اتخاذ سیاست‌هایی برای تأمین مشاغل پاره وقت برای همه زنان جویای کار، به ویژه مشاغل خانگی متناسب با نقش‌های خانوادگی مانند آموزگاری و پزشکی خانواده، تجارت الکترونیک، خدمات رایانه‌ای، قالی بافی، صنایع دستی و خیاطی، می‌توان تدابیری اندیشید که موجب افزایش درآمد و سرمایه‌های مالی زنان و مشارکت آنان در طرح‌های کلان اقتصادی شوند. بدون آنکه آنان را به طور مستقیم با مشاغل و

حرفه‌های خاص درگیر سازند. با توجه به این‌که اسلام زنان را از مسئولیت تأمین هزینه‌های مالی خانواده معاف کرده‌است این امر زمینه مناسبی فراهم می‌سازد تا زنان بتوانند از رهگذر دریافت مهریه، ارث، دستمزد شغلی و ... ثروت قابل توجهی را بیندوزند. به نظر می‌رسد زنان مسلمان با به کارگیری دارایی‌های خود قابلیت‌های فراوانی برای اثرگذاری در عرصه اقتصاد دارند.

بزرگترین اشکال رویکرد سنت گرایی در خانواده این است که رویکرد واکنشی و سلبی دارد به این معنا که پایداری خانواده را با حفظ نابرابری جنسیتی و ریاست مرد بر خانواده همبسته کرده است از این رو تمام راهکارها و رویکردش به سایر مسائل خانواده را با این هدف هماهنگ می‌کند. اشتغال زن به معنای به هم زدن تعادل نظام قدرت و هرم تصمیم‌گیری در خانواده است پس اشتغال زنان باید کم‌رنگ شده و اشتغال خانگی ترویج شود. زنان تحصیلکرده خواهان اشتغال هستند پس تحصیلات زنان باید با معیارهای جنسیتی سنجیده و محدود شود. شهرنشینی و فرهنگ مصرف‌گرایانه مدرن کارکرد خانواده را تغییر داده پس باید الگوی مصرف جدید ارائه کرد. رویکرد سنت‌گرایانه به همین نحو پیش می‌رود بدون آنکه یک نظام کامل و هماهنگ از خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی ارائه دهد و یا به مشکلاتی چون خشونت خانگی و خانواده‌های غیرمتعارف یا آسیب دیده توجه کند.

شناخت دقیق رویکرد نظری سیاستگذاران اجتماعی در حوزه خانواده، مقدمه بحث در زمینه سبک زندگی اسلامی - ایرانی و الگوی مطلوب زن مسلمان است زیرا سیاستگذاری درباره خانواده با پیش فرض‌های ذهنی درباره نقش زن در خانواده درهم تنیده است. این مقاله درصدد است تا پیش فرض‌های ناگفته و رویکرد نظری سیاستگذاران در حوزه خانواده در مهمترین قانون خانواده را آشکار کند و مشخص نماید رویکرد قانونگذاران تا چه حد به رویکرد خانواده‌گرایی نزدیک بوده است؟

روش

این مقاله توصیفی است و از روش اسنادی استفاده می‌کند و با تحلیل محتوای آشکار و پنهان مواد قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن، مدل ارتباط خانواده و جامعه مدنظر قانونگذاران و پیامد آن برای کارکردها، ساختارها و الگوهای مطلوب خانواده و راهبرد اجرایی مدنظر آنان را در دو صورت تصریحی و تلویحی آن مطالعه می‌کند.

پارسونز دو کارکرد اصلی خانواده را تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه‌پذیری فرزندان می‌داند. مرداک کارکرد اصلی خانواده را دقیق‌تر مشخص می‌کند و چهارکارکرد تنظیم روابط جنسی و عاطفی (تثبیت شخصیت بزرگسالان در نظریه پارسونز)، اقتصادی، تعلیم و تربیت (جامعه‌پذیری فرزندان در نظریه پارسونز) و تولیدمثل می‌داند. (برناردز، ۱۳۸۴: ۷۴). در این مقاله به تبع مواد قانونی، کارکردهای خانواده را جزیی‌تر کردیم: کارکرد تثبیت شخصیت شامل تنظیم روابط جنسی بین زوجین، همسرگزینی برای فرزندان بالغ، روابط عاطفی بین اعضا، نگهداری از اعضای بیمار، سالمند و افراد کم‌توان و معلول، گذران بهینه اوقات فراغت و خودشکوفایی شخصی همراه با مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری ثانویه

است. کارکرد اقتصادی شامل منابعی است که خانواده تولید و مصرف می کند از این رو اشتغال برای تامین معاش و رفع نیازهای زیستی (تغذیه، بهداشت و سلامت و مسکن) و الگوی مصرف در این بخش می گنجد. کارکرد تعلیم و تربیت به فرآیند انتقال ارزشها و مفاهیم و جامعه پذیری فرزندان اشاره می کند که ابعاد مختلفی دارد و جامعه پذیری جنسیتی، جامعه پذیری دینی، آموختن آداب و رسوم ملی و محلی و آموزش مهارتهای زندگی را شامل می شود. نهاد رسمی مدرسه و رسانه های جمعی نیز در کنار نهاد خانواده فرایند جامعه پذیری را به انجام می رسانند و از این رو محتوای کتب درسی و برنامه های فرهنگی رسانه های جمعی مورد توجه سیاستگذاران است. کارکرد فرزندآوری در بحث رشد جمعیت مورد توجه قرار می گیرند و با شاخص های فرزندآوری برنامه ریزی شده، تعداد مناسب فرزندان و فاصله گذاری سنی مناسب بین فرزندان مشخص می شوند.

یافته های تحقیق

شورای عالی انقلاب فرهنگی در تابستان سال ۸۴ به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاستهای تحکیم و تعالی آن را در ۷ هدف اصلی تصویب نمود که عبارتند از:

تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛ حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن؛ ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت و بهبود فرهنگی جامعه؛ همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاستها و برنامه ریزیها در موضوع خانواده به منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛ آگاهی افراد خانواده نسبت به حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرشهای غلط جامعه؛ گسترش و تعمیق ارزشهای اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با ایمان، مسؤول و موثر در رشد خود، خانواده و جامعه؛ ایمن سازی خانواده از آسیب و بحرانهای اجتماعی و حمایت از خانوادههای آسیب دیده.

برای اجرایی شدن این اهداف، ۳۸ راهبرد و ۵۰ سیاست اجرایی تدوین شده است که حدود دوسوم این راهبردها و سیاستها به سه هدف اول (اهمیت جایگاه خانواده در نظام اسلامی، تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای سطح فرهنگی خانواده) مربوط است. در این قانون خانواده، گروهی از افراد هستند که بر اساس سه اصل نسب، سبب و رضاع (فرزندخواندگی) در ارتباط خویشاوندی هستند و در کنار هم زندگی می کنند. در این تعریف به طور تلویحی هر نوع همبازی یا زندگی زیر یک سقف بدون عقد شرعی، به عنوان خانواده به رسمیت شناخته نمی شود. در مقدمه قانون دوبار ذکر شده که خانواده نهاد مقدس است و دو بار دیگر هدف قانون را پاسداری از قداست خانواده اعلام می کند. سوال اینجاست که پشت مفهوم قداست خانواده، چه پیش فرض های پنهان است؟ در نظر اول، قانونگذار با استفاده از

این کلمه، آرمانگرایی خود را نشان می دهد. آرمانگرایی که تصویری ایده آل از خانواده را در نظر دارد و تنها یک شکل از ساختار و نوع خانواده را مطلوب می انگارد.

پیش فرض های ناگفته در این قانون به مکتب نظری تفاوت طبیعی بسیار نزدیک می شود که بر اساس آن، عوامل بیولوژیک در شکل دادن به نگرش ها و نقش های جنسیتی زن و مرد در جامعه بسیار موثرند. در این رویکرد به قدرت جسمانی مردان بیش از زنان به عنوان نمونه ای از عوامل بیولوژیک اشاره می کند و پیامد آن مناسب بودن مردان برای انجام کارهای سخت مانند شکار و کارگری است. در مقابل، زنان کودکان را به دنیا می آورند و پر احساس تر از مردان اند. در نتیجه زنان و مردان قابلیت ها و ادراک های متفاوتی دارند و مکمل یکدیگرند. این برداشت با توجه به متن قانون تایید می شود زیرا قانونگذار دو بار در اصول و مبانی شش گانه اش اشاره کرده است: زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند (اصول و مبانی ۲) و تقسیم کار جنسیتی در خانواده به این معناست که زن محور عاطفه و تربیت خانواده است و نقش محوری مرد، تامین معیشت خانواده است. (اصول و مبانی ۶) در هدف ۳ راهبرد ۱ نیز به جایگاه واقعی زن و مرد (و تفاوت ضمنی آن) اشاره شده و در هدف ۳ راهبرد ۱ بار دیگر بر نقش زن در تربیت و فرهنگسازی و استحکام و پویایی خانواده تاکید می شود.

گذشته از تحلیل محتوای ضمنی قانون، حال با تحلیل محتوای کمی متن قانون قصد داریم که کارکردهای خانواده و راهبردهای پیش بینی شده برای حل مشکلات حوزه خانواده که در این قانون مدون شده است را آشکار کنیم. در ۸۸ سیاست و راهبرد اجرایی این قانون در بحث انواع خانواده، در اکثریت موارد، به طور ضمنی خانواده نرمال یعنی خانواده هسته ای شامل والدین و فرزندان مورد توجه قرار گرفته است و تنها در ۹ بار به خانواده های غیرنرمال (خاص، آسیب دیده یا زن سرپرست خانوار) اشاره شده است. به خانواده های خاص (شهید، جانبازان، اسرا) و لزوم تکریم و تجلیل آنها و برآوردن نیازهای مادی و معنوی این خانواده ها اشاره شده است. در سیاست های ۳ و ۴ هدف دوم، خانواده جوان (تازه مزدوج) مد نظر است و قانونگذار در بحث تسهیل ازدواج، جوانانی را که هنوز در حال تحصیل و یا انجام خدمت سربازی هستند (وارد بازار کار نشده اند) را نیازمند حمایت مادی و معنوی می داند و تسهیلاتی را برای آنان پیش بینی می کند.

قانونگذار در هدف ۷ سیاست ۴ خانواده هایی با سرپرست (مرد) بیکار و خانواده هایی که فقط شامل زنان بیوه یا سالخورده و کودکان بی سرپرست است یا زن سرپرستی خانوار را برعهده دارد، خانواده های در معرض آسیب و نیازمند قوانین حمایتی و گسترش پوشش کامل بیمه های اجتماعی و اقتصادی می داند. هدف ۷ سیاست ۵ خانواده های بی بضاعت را نیز در زمره خانواده ای آسیب پذیر دیده است.

جدول ۱. فراوانی انواع خانواده در قانون تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

فراوانی	مصدق	ابعاد	مفهوم
۸۰	مقدمه پاراگراف ۲ و ۳، اصول و مبانی ۳ و ۴ و ۵ و ۶ هدف ۱ راهبرد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸، هدف ۱ سیاست ۵ و ۷ و ۸ و ۹، هدف ۲ تیترا، هدف ۲ راهبرد ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸، هدف ۲ سیاست ۱ و ۲ و ۵ و ۷ و ۸، و	خانواده متعارف	انواع خانواده
۱	هدف ۱ سیاست ۲،	خانواده خاص	
۲	هدف ۲ سیاست ۳، هدف ۲ سیاست ۴،	خانواده جوان	
۴	هدف ۷ تیترا، هدف ۷ راهبرد ۳، هدف ۷ سیاست ۴، هدف ۷ سیاست ۵	خانواده آسیب دیده	
۲	هدف ۲ سیاست ۱۶، هدف ۷ سیاست ۴،	خانواده زن سرپرست	

اما سیاستهای تدوین شده در این قانون با استفاده از چه راهبردی اجرایی می شدند؟ قانونگذار در حدود نیمی از موارد یعنی ۲۴ بار آگاهی بخشی (آموزش و فرهنگسازی) را به عنوان راهبرد انتخاب کرده است. که در ۵ مورد به نقش رسانه های جمعی و ۳ مورد تغییر متون درسی برای انجام مقاصدش اشاره کرده است. استفاده از تشکل های غیردولتی تنها یکبار و در زمینه همسریابی و تسهیل ازدواج جوانان دیده شده است.

جدول ۲. فراوانی راهبردهای اجرایی در قانون تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

فراوانی	مصدق	ابعاد	مفهوم
۸	مقدمه پاراگراف ۳، اصول و مبانی ۳، هدف ۲ تیترا، هدف ۲ راهبرد ۱، هدف ۲ سیاست ۱، هدف ۲ سیاست ۳، هدف ۲ سیاست ۴، هدف ۴ تیترا	تسهیل ازدواج	راهبرد
۲۱	هدف ۱ راهبرد ۲، هدف ۱ راهبرد ۳، هدف ۱ راهبرد ۴، هدف ۱ راهبرد ۵، هدف ۱ سیاست ۱، هدف ۱ سیاست ۲، هدف ۱ سیاست ۳، هدف ۱ سیاست ۴، هدف ۱ سیاست ۵، هدف ۱ سیاست ۶، هدف ۱ سیاست ۷، هدف ۱ سیاست ۸، هدف ۱ سیاست ۹، هدف ۱ سیاست ۱۰، هدف ۱ سیاست ۱۱، هدف ۱ سیاست ۱۲، هدف ۱ سیاست ۱۳، هدف ۱ سیاست ۱۴، هدف ۱ سیاست ۱۵، هدف ۱ سیاست ۱۶، هدف ۱ سیاست ۱۷، هدف ۱ سیاست ۱۸، هدف ۱ سیاست ۱۹، هدف ۱ سیاست ۲۰، هدف ۱ سیاست ۲۱، هدف ۱ سیاست ۲۲، هدف ۱ سیاست ۲۳، هدف ۱ سیاست ۲۴، هدف ۱ سیاست ۲۵، هدف ۱ سیاست ۲۶، هدف ۱ سیاست ۲۷، هدف ۱ سیاست ۲۸، هدف ۱ سیاست ۲۹، هدف ۱ سیاست ۳۰، هدف ۱ سیاست ۳۱، هدف ۱ سیاست ۳۲، هدف ۱ سیاست ۳۳، هدف ۱ سیاست ۳۴، هدف ۱ سیاست ۳۵، هدف ۱ سیاست ۳۶، هدف ۱ سیاست ۳۷، هدف ۱ سیاست ۳۸، هدف ۱ سیاست ۳۹، هدف ۱ سیاست ۴۰، هدف ۱ سیاست ۴۱، هدف ۱ سیاست ۴۲، هدف ۱ سیاست ۴۳، هدف ۱ سیاست ۴۴، هدف ۱ سیاست ۴۵، هدف ۱ سیاست ۴۶، هدف ۱ سیاست ۴۷، هدف ۱ سیاست ۴۸، هدف ۱ سیاست ۴۹، هدف ۱ سیاست ۵۰	آگاهی بخشی و آموزش	
۵	هدف ۱ سیاست ۵، هدف ۳ سیاست ۴، هدف ۳ سیاست ۵، هدف ۳ سیاست ۶، هدف ۳ سیاست ۷، هدف ۳ سیاست ۸، هدف ۳ سیاست ۹، هدف ۳ سیاست ۱۰، هدف ۳ سیاست ۱۱، هدف ۳ سیاست ۱۲، هدف ۳ سیاست ۱۳، هدف ۳ سیاست ۱۴، هدف ۳ سیاست ۱۵، هدف ۳ سیاست ۱۶، هدف ۳ سیاست ۱۷، هدف ۳ سیاست ۱۸، هدف ۳ سیاست ۱۹، هدف ۳ سیاست ۲۰، هدف ۳ سیاست ۲۱، هدف ۳ سیاست ۲۲، هدف ۳ سیاست ۲۳، هدف ۳ سیاست ۲۴، هدف ۳ سیاست ۲۵، هدف ۳ سیاست ۲۶، هدف ۳ سیاست ۲۷، هدف ۳ سیاست ۲۸، هدف ۳ سیاست ۲۹، هدف ۳ سیاست ۳۰، هدف ۳ سیاست ۳۱، هدف ۳ سیاست ۳۲، هدف ۳ سیاست ۳۳، هدف ۳ سیاست ۳۴، هدف ۳ سیاست ۳۵، هدف ۳ سیاست ۳۶، هدف ۳ سیاست ۳۷، هدف ۳ سیاست ۳۸، هدف ۳ سیاست ۳۹، هدف ۳ سیاست ۴۰، هدف ۳ سیاست ۴۱، هدف ۳ سیاست ۴۲، هدف ۳ سیاست ۴۳، هدف ۳ سیاست ۴۴، هدف ۳ سیاست ۴۵، هدف ۳ سیاست ۴۶، هدف ۳ سیاست ۴۷، هدف ۳ سیاست ۴۸، هدف ۳ سیاست ۴۹، هدف ۳ سیاست ۵۰	رسانه های جمعی	
۳	هدف ۱ سیاست ۵، هدف ۲ راهبرد ۴، هدف ۵ سیاست ۱،	تالیف محتوای کتب درسی	
۴	هدف ۳ راهبرد ۳، هدف ۳ سیاست ۲، هدف ۳ سیاست ۳، هدف ۳ سیاست ۴،	تحقیق و پژوهش	
۴	هدف ۲ سیاست ۲، هدف ۳ راهبرد ۲، هدف ۴ سیاست ۱، هدف ۶ سیاست ۵	همه‌نگی دستگاه های دولتی	
۱	هدف ۷ سیاست ۴	قوانین حمایتی و بیمه	

الگوی مطلوب

تدوین کنندگان قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن به طور مستقیم الگوی مطلوب خود برای خانواده را بیان نمی کنند، اما از بین مواد قانونی می توان الگوی مطلوب خانواده را استخراج کرد.

جدول ۳. الگوی خانواده کارآمد بر اساس محتوای ضمنی قانون تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

الگوی مطلوب	ابعاد	تفاوت	گویه	مصادیق	فراوانی	فراوانی	
تبیت شخصیت	جنسی	روابط زوجین	(هدف ۲ راهبرد ۵)	۱	۳۴		
			هدف ۲ راهبرد ۳ و هدف ۲ سیاست ۴ و هدف ۲ راهبرد ۲ و هدف ۲ راهبرد ۱ و هدف ۲ سیاست ۵	۵			
		صمیمیت بین زوجین	هدف ۲ راهبرد ۶ و هدف ۲ راهبرد ۱۰ و هدف ۷ راهبرد ۴ و هدف ۱ سیاست ۶	۴			
			محبت به فرزندان	هدف ۲ راهبرد ۸ و هدف ۲ راهبرد ۱۰ و هدف ۷ راهبرد ۴			۳
			تیمارداری سالمندان	هدف ۳ راهبرد ۴ و هدف ۳ سیاست ۵			۲
	خودشکو فایی	گذران اوقات فراغت	هدف ۳ سیاست ۶	۱			
		خودشکوفایی زن	هدف ۱ سیاست ۴ و هدف ۲ راهبرد ۷ و هدف ۲ سیاست ۱۱	۳			
	کارکرد اقتصادی	تامین معاش	هدف ۱ سیاست ۹ و هدف ۱ راهبرد ۴	۲			
		بهداشت و سلامت	هدف ۲ سیاست ۱۳	۱			
		مصرف بهینه	هدف ۱ راهبرد ۸ و هدف ۱ سیاست ۹ و هدف ۳ راهبرد ۶ و هدف ۳ سیاست ۷	۴			
تعلیم و تربیت	جامعه پذیری دینی	تیتیر هدف ۶ و	۱				
	جامعه پذیری جنسیتی	هدف ۲ راهبرد ۴ و هدف ۶ سیاست ۲ و	۲				
	مهارت‌های زندگی	هدف ۶ راهبرد ۳	۱				
کارکرد تولیدمثل	فرزند آوری برنامه ریزی شده	هدف ۱ راهبرد ۶ و هدف ۲ راهبرد ۶ و هدف ۶ راهبرد ۱ و هدف ۶ راهبرد ۲	۴				

از منظر مکتب ساختارگرایی کارکردی، خانواده چهار کارکرد اصلی دارد: کارکرد تثبیت شخصیت که به روابط بین بزرگسالان می پردازد و شامل تنظیم روابط جنسی بین زوجین، همسرگزینی برای فرزندان بالغ، روابط عاطفی بین اعضا، نگهداری از اعضای بیمار، سالمند و افراد کم توان و معلول، گذران بهینه اوقات فراغت و خودشکوفایی شخصی همراه با مشارکت اجتماعی و جامعه پذیری ثانویه است. کارکرد اقتصادی شامل منابعی است که خانواده تولید و مصرف می کند از این رو اشتغال برای تامین معاش و رفع نیازهای زیستی (تغذیه، بهداشت و سلامت و مسکن) و الگوی مصرف در این بخش می گنجد. کارکرد تعلیم و تربیت به فرآیند انتقال ارزشها و مفاهیم و جامعه پذیری فرزندان اشاره می کند که ابعاد مختلفی دارد و جامعه پذیری جنسیتی، جامعه پذیری دینی، آموختن آداب و رسوم ملی و محلی و آموزش مهارتهای زندگی را شامل می شود. نهاد رسمی مدرسه و رسانه های جمعی نیز در کنار نهاد خانواده فرایند جامعه پذیری را به انجام می رسانند و از این رو محتوای کتب درسی و برنامه های فرهنگی رسانه های جمعی مورد توجه سیاستگذاران است. کارکرد فرزندآوری که به تجدید نسل مربوط است.

جدول ۴. الگوی مطلوب خانواده بر اساس محتوای ضمنی قانون تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده

مطلب الگوی	ابعاد	شاخص	گویه	مصادیق	فراوانی
خانواده بادا،	مستحکم	عدم تزلزل در بحران ها	تیتیر هدف ۲ و هدف ۲ سیاست ۸ و تیتیر هدف چهار و تیتیر هدف هفتم و هدف ۷ راهبرد ۱ و	۵	۱۸
		سخت بودن طلاق	هدف ۲ راهبرد ۹ و هدف ۲ راهبرد ۱۰ و هدف ۲ راهبرد ۱۶	۳	
		مقابله با عوامل جرم زا	هدف ۱ راهبرد ۴ و هدف ۲ سیاست ۱۴ و هدف ۷ سیاست ۶	۳	
	عین و بدون خشونت	نبودن خشونت خانگی	هدف ۲ راهبرد ۱۰ و هدف ۷ راهبرد ۴	۲	
		نبودن آسیب های اجتماعی	اصول و مبانی ۵ - هدف ۱ راهبرد ۴ - هدف ۲ سیاست ۸ - هدف ۲ سیاست ۹ - هدف ۷ راهبرد ۲	۵	
خانواده با تناسب جنسیتی		اصول و مبانی ۶ و هدف ۱ راهبرد ۷ و هدف ۱ سیاست ۱ و هدف ۱ راهبرد ۶ و هدف ۲ راهبرد ۴ و هدف ۲ راهبرد ۶ و تیتیر هدف پنجم و هدف ۵ سیاست ۱ و هدف ۵ سیاست ۲ و هدف ۱ سیاست ۴ و هدف ۲ راهبرد ۷ و هدف ۲ سیاست ۱۱ و اصول و مبانی ۳ و هدف ۲ سیاست ۱۲ و هدف ۷ سیاست ۳ و هدف ۲ راهبرد ۳	۱۶	۱۶	۱۶

از نظر تدوین کنندگان قانون خانواده مطلوب، خانواده ای است که اعضای خانواده در نقش‌های اصلی و جنسیتی خود ایفای نقش می‌کنند و نسبت به حقوق یکدیگر آگاهی دارند. این جاست که پیش فرض‌های ناگفته در این قانون به مکتب نظری تفاوت طبیعی بسیار نزدیک می‌شود که بر اساس آن، عوامل بیولوژیک در شکل دادن به نگرش‌ها و نقش‌های جنسیتی زن و مرد در جامعه بسیار موثرند. در این رویکرد به قدرت جسمانی مردان بیش از زنان به عنوان نمونه‌ای از عوامل بیولوژیک اشاره می‌کند و پیامد آن مناسب بودن مردان برای انجام کارهای سخت مانند شکار و کارگری است. در مقابل، زنان کودکان را به دنیا می‌آورند و پر احساس‌تر از مردان‌اند. در نتیجه زنان و مردان قابلیت‌ها و ادراک‌های متفاوتی دارند و مکمل یکدیگرند.

این برداشت با توجه به متن قانون تایید می‌شود زیرا قانونگذار دو بار در اصول و مبانی شش‌گانه‌اش اشاره کرده است: زن و مرد بر اساس حکمت الهی با لحاظ تفاوت‌های طبیعی آنها باید از حقوق انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عادلانه برخوردار شوند (اصول و مبانی ۲) و تقسیم کار جنسیتی در خانواده به این معناست که زن محور عاطفه و تربیت خانواده است و نقش محوری مرد، تامین معیشت خانواده است. (اصول و مبانی ۶) در هدف ۳ راهبرد ۱ نیز به جایگاه واقعی زن و مرد (و تفاوت ضمنی آن) اشاره شده و در هدف ۳ راهبرد ۱ بار دیگر بر نقش زن در تربیت و فرهنگ‌سازی و استحکام و پویایی خانواده تاکید می‌شود.

نتیجه گیری

جمهوری اسلامی به دنبال ترکیب جدیدی از سنت و مدرنیته است. از یک سو به ارزش‌های دینی بهای بسیار می‌دهد و از سوی دیگر ضرورت توسعه پایدار که نیازمند مشارکت همه افراد اعم از مردان و زنان است را می‌پذیرد. رسیدن به توسعه پایدار نیازمند رویکردی است که ضمن به رسمیت شناختن تغییر در مناسبات جنسیتی، تا حد امکان با ارزش‌های سنتی و بومی هماهنگ شود. به نظر نگارندگان، قانون تشکیل خانواده نتوانسته است به این مهم دست یابد.

بررسی قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن نشان می‌دهد که این قانون مصداق کامل رویکرد خانواده‌گرایی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی است. زیرا مبانی نظری طبیعی بودن نابرابری جنسیتی را پیش فرض خود می‌گیرد، به ازدواج به عنوان بهترین راه مقابله با انحرافات اجتماعی توجه دارد و در کنار آن آموزش نابرابری جنسیتی در مدارس، محتوای کتب درسی و برنامه‌های رسانه‌های جمعی را مورد تاکید قرار می‌دهد و سر آخر اشتغال زنان را در چارچوب خانواده به شکل اشتغال خانگی و به شرط نان آور ماندن مرد می‌پذیرد. به خانواده متعارف توجه دارد و مشکلاتی چون خانواده‌های زن سرپرست و خشونت خانگی را اندک و بی‌اهمیت می‌بیند.

قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن مبنای تدوین قانون برنامه پنجم توسعه قرار گرفت. برنامه پنجم، زن در خانواده و عفاف و حجاب را دو مفهوم کلیدی می‌شمارد و با پیش کشیدن موضوعاتی چون اشتغال خانگی، پشتیبانی از بسیج زنان در فعالیت‌های مربوط به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم بنیاد خانواده، زن را در چارچوب خانه می‌بیند. الگوی مطلوب خانواده در نزد تدوین‌کنندگان قانون برنامه پنجم توسعه به الگوی خانواده سنتی بسیار نزدیک است که در آن مرد نان آور و مدیر خانواده و زن مشارکت اجتماعی حداقلی دارد. (نک موسوی و پایه، ۱۳۹۴) قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن، ده سال پس از تصویب و قانون برنامه پنجم توسعه در آخرین سال اجرای خود، در دستیابی به اهداف خود ناموفق ماندند زیرا حاصل اجماع نظر کارشناسان در مورد الگوی مطلوب خانواده و جایگاه زن در خانواده نبودند. بازگشت به خانواده سنتی عملاً امکان‌ناپذیر است زیرا دگرگونی‌های اجتماعی که موجب تغییر شکل ازدواج، خانواده و مناسبات جنسیتی شده‌اند، بازگشت‌ناپذیرند. بسیاری از زنان هرگز به نقش‌های سنتی خود باز نمی‌گردند و روند تغییرات علیرغم میل ما ادامه خواهند داشت.

به نظر نگارندگان، بزرگترین اشکال سیاست‌های اجتماعی آن است که به دنبال دیکته کردن محتوای خاصی به جامعه هستند در حالی که مهندسی فرهنگی و طراحی الگوی مطلوب و اجرای آن، امری دشوار و ظریف است که در صورت عدم موفقیت، مشکلات جدیدی ایجاد می‌کند. قانون تشکیل خانواده و تحکیم و تعالی آن، ده سال پس از تصویب، در دستیابی به اهداف خود ناموفق مانده است زیرا حاصل اجماع نظر کارشناسان در مورد الگوی مطلوب خانواده و جایگاه زن در خانواده نبوده است و در سطح اجرایی با مشکل عدم پذیرش مواجه می‌شود.

باید پذیرفت که بازگشت به خانواده سنتی عملاً امکان‌ناپذیر است زیرا دگرگونی‌های اجتماعی که موجب تغییر شکل ازدواج، خانواده و مناسبات جنسیتی شده‌اند، بازگشت‌ناپذیرند. بسیاری از زنان هرگز به نقش‌های سنتی خود باز نمی‌گردند و روند تغییرات علیرغم میل ما ادامه خواهند داشت.

سیاست‌های اجتماعی در حوزه خانواده و تلاش برای تحکیم آن زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که بتواند به چالش‌های پیش‌رو درباره تغییر هرم قدرت در خانواده پاسخ دهد. شائبه تحکیم نابرابری‌های جنسیتی در خانواده با موضع‌گیری و مقاومت در سطوح خرد اجتماعی روبرو می‌شود. حکومت و نظام حقوقی نقش پاسبان منافع اعضا را دارند تا از آسیب دیدن اعضا در رابطه ناسالم بین زوجین (مانند خشونت خانگی) یا والدین و فرزندان جلوگیری کند؛ قانون جایی به کار می‌آید که امکان همدلی عاطفی و تفاهم‌گفتگویی ممکن نباشد. پس بهتر است که قوانین فعلی با توجه به شرایط امروز جامعه ما، بیشتر به سمت عدم تبعیض جنسیتی میل کنند تا در ساختار خانواده، موازنه قدرت در خانواده به سمت مردان سنگینی نکند. اما رویکرد عدم تبعیض جنسیتی، خلاف شرع و قوانین اسلام نیست؟ حقیقت این است که رویکرد خانواده‌گرایی، تنها یکی از تفاسیر (تفسیر سنت‌گرایانه) در حوزه روابط جنسیتی در اسلام است در حال که تفسیر میانه رو و تفسیر فمینیست اسلامی نیز مدافعانی دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- اوانز، مری (۱۳۹۳) تکوین جهان مدرن، ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
- آزاد ارمکی، محمدتقی و مهناز زند و طاهره خزایی، (۱۳۷۹)، «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، ص ۲۹-۳
- بخارایی، احمد و موسوی ویایه، فاطمه (۱۳۹۴) نقد و بررسی رویکردهای سه‌گانه ناظر بر عدالت جنسیتی در ایران و ارایه رویکرد چهارم به مثابه اعتدال فرهنگی. مجموعه مقالات دومین همایش زنان، توسعه و اعتدال، تهران. کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳) تحلیلی بر مهمترین مسایل زنان و خانواده در ایران: بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ویراست چهارم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- قانع‌راد، محمد امین و فاطمه عزلتی مقدم، (۱۳۸۹) «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاستگذاری‌ها در مسایل خانواده و ازدواج»، مسایل اجتماعی ایران، ش ۱.
- مرکز تحقیقات زن و خانواده، معاونت پژوهش (۱۳۹۳). مناسبات حاکمیت و خانواده؛ ضرورت بازنگری در رویکردها. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- موسوی ویایه، فاطمه (۱۳۹۴) برنامه‌های توسعه و اعتدال در میانه خانواده و جامعه، مجموعه مقالات دومین همایش زنان، توسعه و اعتدال، تهران. کتابخانه ملی و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران.
- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاستهای تحکیم و تعالی آن، سامانه قوانین مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در نشانی <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/101204>

Abstract

The introduction deals with the islamic-iranian lifestyle of a model muslim woman because policies about family are in fact based on the assumptions about the role of women in the family. This research is going to clarify the theoretical approach of policy makers in the field of family through a content analysis of the law. As a result, the patterns of the relationship of the family and the society are to be studied within the framework of family functions and the desired patterns of family both affirmatively and figuratively .A study of family laws and emphasis on empowering and elevating it shows that from the perspective of policy makers, the educational function (children's socialization) has been more important than the other functions of the family (such as personality establishment, economic functioning, and reproduction) and that a favorable family is a stable and efficient one where the members are playing their gender roles. The policy maker, in most cases, has taken advantage of education and culture to pave the way for implementing the formulated policies. The law of family consolidation is a clear extension of a family-oriented approach in the field of social policy making and it is also extended to the laws of the fifth phase development plan .

Keywords: Family, Social policy making, traditionalism, family-orientation, The Law of Family and consolidation and elevation